

قطعنامه در مورد جنبش کارگری

۱- بحران عمیق سیاسی، سر تا پای رژیم جمهوری اسلامی را فرا گرفته است. کشمکش و اختلاف میان جناح‌های حکومتی پیوسته تشدید شده و شکاف در راس هرم قدرت، روز به روز عمیق‌تر شده است. شورش‌ها، اعتراضات و تظاهرات توده‌ای، تعادل دستگاه حکومتی را به کلی بر هم زده است. بحران انقلابی که از درون تضادهای عمیق و لاینحل اجتماعی و اقتصادی، سر بر آورده است، جامعه را در آستانه يك تحول بزرگ اجتماعی قرار داده است. کوشش جناح‌های بورژوازی برای برون رفت از بحران و بن بست، به جایی نرسیده است. برای حل بحران و تضادهای موجود، در برابر جامعه و توده‌های مردم ایران، هیچ راه دیگری، جز يك انقلاب و دگرگونی بنیان‌های نظم موجود، وجود ندارد.

۲- جنبش توده‌ای که با فوران آتش فشان خشم مردم در ۲۳ خرداد آغاز شد، به رغم افت و خیزهایش، ادامه دارد. بورژوازی و همدستان آن تلاش نموده و بیش از این تلاش خواهند نمود، تظاهرات خیابانی و اعتراضات مردم بپا خاسته را، از مسیر تکاملی و رو به رشد خود باز دارند و جنبش عظیم توده‌ای را، مهار و کنترل نمایند و یا آن را به کج‌راه و انحراف بکشانند. در غیاب حضور فعال طبقه کارگر، در غیاب قاطعیت پرولتری و در غیاب حضور متشکل و مستقل طبقه کارگر، این یا آن جناح بورژوازی، به یاری همدستان و نوکران خود، جنبش انقلابی و رادیکال توده‌های مردم را در چهارچوب منافع خویش به بند می‌کشند و در نهایت سر انقلاب را نیز زیر آب می‌کنند.

۳- طبقه کارگر یگانه طبقه‌ایست که قادر است تحولات جاری را از دایره نظم موجود فراتر ببرد و انقلاب را به فرجام پیروزمند خود برساند. اما طبقه سرمایه‌دار و رژیم سیاسی پاسدار منافع این طبقه، تمام توش و توان خود را برای تحمیل بی‌سازمانی و پراکندگی بر صفوف کارگران و برای ممانعت از تشکیل‌یابی طبقه کارگر بکار بسته‌اند.

تعرضات بیرحمانه و هلاکت‌بار طبقه سرمایه‌دار و دولت این طبقه علیه کارگران، تداوم سیاست واگذاری کارخانه‌ها و صنایع دولتی به بخش خصوصی، تعطیل و توقف مراکز تولید، اخراج‌ها و بیکارسازی‌های وسیع و گسترده، دستمزدهای زیر يك چهارم خط فقر، همه گیر شدن قراردادهای موقت زیر يك ماه، افسانه شدن استخدام رسمی، افزوده شدن بند "ز" بر ماده ۲۱ قانون کار و اعطای رسمی حکم فسخ يك جانبه قرارداد به کارفرما و اخراج کارگر، فقر و فشارهای معیشتی، ناامنی شدید شغلی و بی‌حقوقی کارگران را به حد اعلا رسانده و فشار کار و استثمار را بیش از پیش تشدید نموده است.

به موازات افزایش فشار و تشدید تعرضات طبقه حاکم در عرصه‌های اقتصادی و معیشتی، محدودیت‌ها و فشارهای سیاسی نیز علیه کارگران فوق‌العاده افزایش یافته است. جمهوری اسلامی علاوه بر تشدید خفقان و نظامی کردن فضای بسیاری از کارخانه‌ها و موسسات تولیدی و اعمال کنترل پلیسی-جاسوسی از طریق نیروهای امنیتی و حراستی، سرکوب مستقیم و اعمال قهر و خشونت علیه کارگران و نمایندگان آنها را نیز تشدید نموده است. سواى دستگیری‌های پی در پی، بازداشت‌ها و احضارهای مکرر و صدور احکام ضد انسانی شلاق و احکام سنگین زندان برای فعالان و نمایندگان کارگری، ده‌ها اعتصاب، راهپیمایی، تظاهرات و اجتماع اعتراضی کارگری را با خشونت و بیرحمی، وحشیانه سرکوب نموده، صدها کارگر را مورد ضرب و شتم قرار داده و بازداشت نموده است و ده‌ها کارگر پیشرو را به جرم فعالیت‌های آگاه‌گرانه، به زندان افکنده و یا از کار اخراج نموده است که به عنوان دو نمونه برجسته، می‌توان به بازداشت و حبس دو تن از رهبران سندیکای کارگران شرکت واحد و اخراج حدود ۳۰ تن از فعالان این سندیکا، و همچنین بازداشت و حبس پنج تن از اعضای هیأت مدیره سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت تپه و اخراج چهار تن از آنها، اشاره نمود.

۴- به رغم تمام تعرضات سیاسی و اقتصادی هلاکت‌بار طبقه سرمایه‌دار و دولت این طبقه علیه کارگران و جنبش کارگری، طبقه کارگر اما از پای ننشسته، با روحیه‌ای پی‌گیر و استوار، جسورانه‌تر از گذشته، در برابر تعرضات سرمایه، دست به اعتراض و مقاومت زده است. در طی این دوره دو ساله، کارگران در صدها مورد در اشکال مختلف و متنوعی، بویژه در شکل اعتصاب، اجتماع اعتراضی، راهپیمایی، تظاهرات خیابانی، ایجاد راهبندان و گاه در شکل گروگان‌گیری مدیر عامل و اشغال کارخانه دست به اعتراض زده‌اند، که از جمله می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد: اعتصابات و اجتماعات اعتراضی کارگران لاستیک سازی البرز، کشتی سازی ایران صدرا، شرکت نیشکر هفت تپه، کوره پزخانه‌ها، آلومینیوم‌سازی، واگون سازی

پارس، اعتصاب و راهپیمایی کارگران چینی البرز، اعتصاب کارگران طرح توسعه پالایشگاه قدیم بندر عباس، اعتصابات شرکت مخابرات راه دور و اجتماعات اعتراضی مکرر کارخانه لوله‌سازی اهواز، از جمله اجتماعات و تظاهرات خیابانی این کارگران طی چند روز متوالی در مهر و آبان سال جاری، که در عین حال مورد حمایت سایر اقشار مردم و دانشجویان نیز قرار گرفت. شمار اعتصابات و سایر حرکت‌های اعتراضی کارگران و همچنین شمار کارگران شرکت کننده در این اعتصابات و اعتراضات، به نحو چشمگیری افزایش یافته است. علاوه بر مطالبات صنفی و اقتصادی، که مبارزه کارگران برای تحقق این مطالبات، در اکثر موارد، از مبارزه با کارفرمای یک کارخانه فراتر رفت و کارگران را عملاً رو در روی دولت و رژیم سیاسی حاکم قرار داد و شکل سیاسی به خود گرفت، طبقه کارگر به طرح یک رشته مطالبات مستقیم سیاسی پرداخت که در راس آن حق ایجاد تشکل مستقل کارگری بود. در طی دو سال گذشته، کارگران، بسیار پرشورتر، جدی‌تر، جسورانه‌تر و در ابعاد وسیع‌تری نسبت به گذشته، نه فقط این خواست سیاسی را به عنوان محوری‌ترین خواست خود در برابر دولت قرار دادند، بلکه دست به کار عملی ساختن آن شدند و تمام مرزهای قانونا ممنوعه و "خط قرمزهای" رژیم در این زمینه را نیز بر هم زدند. حق ایجاد تشکل مستقل کارگری، نه فقط به مطالبه عمومی کارگران، لاقلاً در سطح واحدهای بزرگ و متوسط تبدیل گردید، بلکه کارگران، در بسیاری از مراکز صنعتی و کارخانه‌ها، برای متشکل شدن و ایجاد تشکل، گام‌های عملی نیز برداشتند. علاوه بر تشکیل جمع‌های کارگری، کمیته‌های کارخانه یا کمیته‌های کارگری که از روی حجم بالای اعتصابات و اعتراضات کارگری، می‌توان متشکل شدن کارگران پیشرو در این گونه تشکل‌ها را نتیجه گرفت، به عنوان برجسته‌ترین نمونه تشکل توده‌ای کارگری، باید از ایجاد سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه نام برد. اینها همه، نشانه ارتقاء درجه آگاهی کارگران، رشد تشکلیابی در صفوف کارگران و پیشرفت جنبش طبقاتی کارگران است.

۵- سازماندهی اتحاد عمل کارگری و مراسم واحد اول ماه مه توسط تشکل‌ها و گروه‌های کارگری، و صدور "قطعنامه کارگران ایران به مناسبت اول ماه مه" نه فقط از لحاظ تشکلیاتی و تشکلیابی، در راستای اتحاد کارگری و غلبه بر پراکندگی، گام مهمی محسوب می‌شود و از عمق شناخت و آگاهی کارگران در این زمینه حکایت می‌کند، بلکه، از لحاظ سیاسی نیز گام بسیار مهمی به پیش بوده است. در قطعنامه کارگران ایران به مناسبت اول ماه مه، که با مضمونی عمیقاً رادیکال و ضد سرمایه‌داری و سرشار از روحیه انترناسیونالیستی تنظیم یافته، علناً به نظم موجود اعلان جنگ داده شده است. قطعنامه اول ماه مه کارگران، در حکم بیانیه سیاسی طبقه کارگر علیه نظم سرمایه‌داری در مقیاس داخلی و بین‌المللی بود. سازماندهی اتحاد عمل میان ده سندیکا و گروه کارگری انتشار قطعنامه‌ای با مضمون رادیکال و سوسیالیستی که به امضاء این تشکل‌ها رسیده بود، کار بزرگ و کم سابقه‌ای بود که آن را باید ثمره همت و تلاش جمعی و آگاهانه کارگران پیشرو و فعالان کارگری متشکل در سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران و حومه، سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه، کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری، هیات بازگشایی سندیکای کارگران نقاش و تزیینات ساختمان، اتحادیه آزاد کارگران ایران، کمیته پی‌گیری برای ایجاد تشکل‌های آزاد کارگری، جمعی از فعالین کارگری، شورای زنان و کانون مدافعان حقوق کارگر، دانست.

اتحاد عمل گرایش‌های مختلف درون جنبش کارگری و فراخوان مشترک برگزاری مراسم عینی اول ماه مه با مضمون و محتوای رادیکال و ضد سرمایه‌داری، و همچنین برگزاری مراسم اول ماه مه توسط سندیکای کارگران فلزکار- مکانیک، و مراسم‌های دیگری که در کردستان و کرمانشاه برگزار گردید، تماماً بیان‌گر رشد اتحاد و آگاهی در صفوف کارگران، ارتقاء درجه تشکلیابی کارگران و رشد و تکامل جنبش کارگری است.

۶- به رغم پیشرفت‌های غیرقابل انکار جنبش کارگری و به رغم ارتقاء آگاهی طبقاتی و رشد تشکلیابی در صفوف کارگران، اما طبقه کارگر، از موقعیتی که بتواند به عنوان یک طبقه آگاه و متشکل وارد رویدادهای سیاسی شود و رهبری جنبش انقلابی را به دست گیرد، بسیار فاصله دارد. شرایط بس متحول کنونی و رویدادهای پرشتاب سیاسی نیز، بر این فاصله افزوده است. دوران جدیدی در زندگی سیاسی و مبارزاتی توده‌های مردم آغاز شده است. توده‌های مردم به زندگی پرتکاپوی سیاسی، به مبارزه عینی مستقیم و تعرضی علیه قدرت حاکم روی آورده‌اند. دوران توفان‌های سیاسی، تغییر و تحولات سریع و چرخش‌های بزرگ آغاز شده است. خیزش‌های توده‌ای و اعتراضات خیابانی، همچنان ادامه دارد. رویدادها و تحولات سیاسی چند ماه اخیر، نشان دهنده عمیق‌تر شدن بحران سیاسی و بحران حکومتی است. اختلاف و کشمکش در میان هیات

حاکمه، به غایت، تشدید شده و حکومت اسلامی از هر سو شکاف برداشته است. هیچ چشم‌اندازی از فروکش بحران دیده نمی‌شود. بحران انقلابی، اعتلاء بیشتر جنبش توده‌ای و انفجارات اجتماعی بزرگتری را نوید می‌دهد.

این وضعیت، وظائف فوری و میرمی را بر دوش کارگران پیشرو و کمونیست، فعالان جنبش کارگری و همه نیروهای کمونیست قرار داده است. پیروزی طبقه کارگر، بدون آن که کارگران خود را در حزب طبقاتی و مستقل خویش متشکل ساخته باشند، ممکن نیست. طبقه کارگر باید تشکلهای طبقاتی خود را بنا سازد و برای رهبری انقلاب و انفجارات بزرگ اجتماعی خود را تجهیز و آماده کند.

۷- در شرایطی که يك بحران انقلابی وجود دارد، در شرایطی که جنبش با يك اعتلاء جدید روبرو شده و چشم‌انداز اعتلاء بیشتر نیز وجود دارد، طبقه کارگر نمی‌تواند و نباید صرفاً به آن شکلی از سازماندهی مبادرت ورزد که در شرایط عادی لازم است. تاکتیک‌های مبارزاتی و تشکلهای کارگری در لحظه کنونی، باید برگرفته از نیازهای شرایط موجود و با آن منطبق باشند. این تاکتیک و شکل مبارزه، همچنین باید بتواند توده‌های کارگر را متشکل سازد، متضمن به صحنه آوردن کارگران و در خدمت پیشرفت جنبش انقلابی و انقلاب باشد.

کارگران پیشرو، فعالان و تشکلهای کارگری و عموم کارگران، نه فقط نمی‌توانند و نباید نسبت به رویدادهای سیاسی جامعه بی‌تفاوت بمانند، بلکه باید تلاش کنند وضعیت موجود را به عرصه‌ای برای مبارزه در جهت تحقق اهداف و مطالبات خود تبدیل کنند و یا دست کم از این وضعیت به سود تشکلیابی و طرح مطالبات اخص خود استفاده نمایند. انبوهی از بیکاران، کارگران بیکار و بعضاً کارگران شاغل، ولو بطور انفرادی و غیر متشکل، در اجتماعات اعتراضی و تظاهرات توده‌ای حضور یافته‌اند. کارگران، به ویژه کارگران کارخانه‌های تعطیل شده و یا در معرض تعطیل، کارگران بیکار و جویای کار، می‌توانند با طرح شعارهای مستقل و با صف مستقل و بی آن که در جنبش عمومی حل شوند، با پرچم مستقل خود، در تظاهرات توده‌ای شرکت جویند، این جنبش را، سمت و سو دهند، رهبری بورژوائی را افشاء کنند و زمینه‌های رهبری کارگری بر جنبش توده‌ای را فراهم سازند.

۸- حضور مستقل کارگران در تظاهرات توده‌ای، یکی از تاکتیک‌ها و اشکال مبارزاتی موثر طبقه کارگر است. در شرایط فعلی که جنبه سیاسی مبارزه برجسته است، باید تشکلهایی را سازمان داد که از يك سو از ظرفیت ورود به عرصه مبارزه سیاسی برخوردار باشند، و از سوی دیگر، پاسخگوی مبارزات جاری و مطالبات فوری کارگران هم باشند. مناسبترین تشکلهای کمیته‌های مخفی اعتصاب‌اند که از این خصوصیت و کارائی برخوردارند. کارگران و پیشروان کارگری، با متشکل شدن در کمیته‌های اعتصاب و طرح مهم‌ترین مطالبات خود، از جمله افزایش دستمزد به بالای خط فقر، ضمانت شغلی، لغو قراردادهای موقت، حق ایجاد تشکلهای کارگری، آزادی بیان و آزادی زندانیان سیاسی، می‌توانند اعتصابات کارگری را سازمان دهند. کمیته‌های اعتصاب، در روند رو به رشد و گسترش اعتصابات و سراسری شدن آن، به تشکلهای وسیع و سراسری طبقه کارگر تبدیل می‌شوند و توان رهبری مبارزات سراسری را بدست می‌آورند. هر چند که تاکید بر اعتصاب، به معنی عدم استفاده از سایر اشکال مبارزه کارگری و یا اشکال تلفیقی نیست، اما مهم‌ترین و موثرترین تاکتیک مبارزاتی طبقه کارگر در لحظه کنونی، اعتصاب و سازماندهی اعتصاب سیاسی سراسری است. کمیته‌های اعتصاب نه فقط اکنون می‌توانند با سازماندهی اعتصابات کارگری، حضور نسبی و فعال طبقه کارگر در مبارزات جاری و رویدادهای سیاسی را تامین کنند و جنبش انقلابی را گام مهمی به پیش برند، بلکه این کمیته‌ها و پیوند میان آن‌ها، در ادامه اعتصابات و سراسری شدن آن، قادرند توده‌های طبقه کارگر را در وسیع‌ترین شکلی متشکل سازند و زمینه ورود متشکل‌تر طبقه کارگر به صف مقدم جنبش انقلابی و نبردهای بزرگ سیاسی را فراهم سازند. با پیشرفت و تعمیق مبارزه طبقاتی، این کمیته‌ها، به نهادهای سیاسی طبقه کارگر یعنی شوراهای کارگری تبدیل می‌شوند و راه را به سوی انقلاب کارگری، استقرار قدرت متشکل کارگری و شوراهای کارگری می‌گشایند.